

غزل شماره ۴۵۴

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی
از این باد ارمدد خواهی چراغ دل برافروزی

چو گل گر خرده ای داری خدا را صرف عشرت کن
که قارون را غلط داد سودای زراندوزی

ز جام گل دگر ببل چنان مست می لعل است
که زد بر چرخ فیروزه صغیر تخت فیروزی

به صحرارو که از دامن غبار غم پيشانی
به گلزار آبی کز بلبل غزل گفتن پیاموزی

چو اگان خلود ای دل در این فیروزه ایوان نیست
مجال عیش فرصت دان به فیروزی و بهروزی

طریق کام بخشی چیست ترک کام خود کردن
کلاه سروری آن است کز این ترک بردوزی

سخن در پرده می گویم چو گل از غنچه بیرون آید
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی

ندانم نوحه قمری به طرف جویاران چیست
مگر او نیز همچون من غمی دارد شبانروزی؟

می‌ای دارم چو جان صافی و صوفی می‌کند عیش
خدایا بیچ عاقل را مبادا بخت بدروزی

جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع
که حکم آسمان این است اگر سازی و گر سوزی

به عجب علم توان شد ز اسباب طرب محروم
یاساقی که جاہل را همنی ترمی رسد روزی

می اندر مجلس آصف به نوروز جلالی نوش
که بخشد جرعه جامت جهان را ساز نوروزی

نه حافظ می کند تنها دعای خواجه تورا شاه
ز مدح آصفی خواهد جهان عیدی و نوروزی

جنابش پارسایانراست محراب دل و دیده
چینش صبح خیزانراست روز فتح و فیروزی

تفسیر فال

فکر دنیا و ظواهر آن و زیبایی‌هایش را رها کن و در عوض به خوشی و شادابی پرداز. غم و اندوه را از خود دور کن و به آنچه در اختیار داری، قناعت ورز. قناعت، به‌عنوان بزرگ‌ترین ثروت انسان، می‌تواند آرامش خاطر را برای تو به ارمغان آورد. اگر در حال حاضر با شکست یا ناکامی مواجه شده‌ای، نباید ناراحت یا ناامید شوی. زندگی همیشه دارای فراز و نشیب‌های متعددی است که هر یک می‌تواند درس‌های ارزشمندی به همراه داشته باشد. پایان شب ناامیدی همواره نشانه‌ای از صبح پیروزی است؛ روزی که می‌تواند نویدبخش فرصت‌های تازه باشد. لذا باید فرصت‌ها را غنیمت شماری و از آن‌ها به نفع خود استفاده کنی تا بتوانی بر مشکلات فائق آیی و بر رویای موفقیت گام برداری.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)